

جشنواره دیدار

همراه با کلی جایزه‌های ویژه



★ **تندیس پلاستیکی «زیرسیگاری» بلورین به همراه دوربین مداربسته و کارت هدیه سی و چهار هزار و پانصد و سه ریالی به شهروند سنگاپوری بابت «پرت کردن ته‌سیگار»**



این جایزه تعلق می‌گیرد به یک نفر از بچه‌های ساکن سنگاپور. این آقای ۳۸ ساله که نامشان فاش نشده، به دلیل پرت کردن ۳۴ ته‌سیگار از پنجره آپارتمانش طی ۴ روز، به ۱۹ هزار و ۸۰۰ دلار سنگاپور (حدود ۶۸ میلیون تومان خودمان) جریمه شد. ضمن این‌که این شخص باید به مدت پنج ساعت، شهر را هم تمیز کند. از همین تریبون عرض می‌کنم اگر کسی فکر کرد که سنگاپور هر کی به هر کی هست و می‌شود ته‌سیگار را هر جا انداخت، می‌تواند برود آن‌جا و امتحانش کند. تازه خبر می‌رسد که در این کشور، ۶۰۰ دوربین مداربسته برای نظارت بر تخلفات و جرائم، در شهر مستقر شده است. در سنگاپور ضرب‌المثلی هست که می‌گویند: اگر مردی ته‌سیگار را پنداز بیرون!

با سلام و درود به همه دوستان عزیز دیدار آشنایی که بی‌صبرانه منتظر این صفحه بودند تا تقدیر از چهره‌های برتر ماه را شاهد باشند؛ پس بدون تلف کردن وقت می‌رویم به استقبال جوایز این دوره.

★ **تندیس گلین «یک مثقال عقل» به همراه یک ممفله شیشه‌ای در موزه و کارت هدیه بیست و پنج تومانی به «یاسمین» بابت «ازدواج با خود»**



خدمت دوستان و حضار عزیز عرض می‌کنم که واقعاً مجردی بد دردی است. دیده‌شده بعضی از مجردان خارج از کشور دست به کارهای عجیبی می‌زنند تا وارد متأهل‌ها شوند. هرچند معلوم نیست که آن‌جا هم مثل این‌جا به متأهلان وام ازدواج بدهند! یکی از این‌ها خانم «یاسمین» هستند که آمریکایی تشریف دارند و پس از این‌که از یافتن همسر ناامید شدند، از خودش خواستگاری کرد و بعد از گفت‌وگوهای اولیه و کمی فکر کردن نهایتاً «بله» را از خودش گرفت. البته مغز ایشان این قدرها هم که نشان می‌دهد آکبند نیست چراکه با همین عقل نیم‌بندشان متوجه شدند که در این ازدواج نه اختلافی خواهند داشت و نه خدای‌ناکرده طلاق! در مراسم ازدواج ایشان با خودش، غیر از دوستان، پدر و مادرشان هم تشریف داشتند. پیشنهاد ما این است که جهت استفاده از ایده‌های نو ایشان، یک ممفله شیشه‌ای در موزه به ایشان داده شود.

★ **تندیس بلورین «صدای الاغ» به همراه یال و سم به همراه کارت هدیه فالی به «بعضی‌ها» بابت «آرایش فرکی»**

دوستان به استحضارتان می‌رسانیم، برخی‌ها بعد از سال‌ها اقامت در قالب انسانیت، خسته شده و احساس نیاز کردند که دیگر قالب‌ها را نیز آزمایش کنند. این عده برای شروع کار، «گوش» را انتخاب کردند چون به نظرشان می‌رسیده که گوش، چندان کارایی نداشته و چندان مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. خلاصه این‌که تصمیم بر این شد که این عضو انسانی تبدیل شود به عضو الاغی و آرایش خدادادی هم بشود آرایش خرکی! در پایان، ضمن دعوت از نماینده آن جمع برای گرفتن جایزه‌اش، اشاره‌ای هم می‌کنیم به این شعر معروف که: الاغ خوب و نازنین؛ سر در هوا سم بر زمین؛ یالت بلند و پُر مو، دُمَت مثال جارو...





★ تندیس پارچه‌ای کفن طلایی به همراه سنگ قبر دیجیتال به «جوبلی امد هوجا» بابت «کفن ضد عذاب»

سودجویی در مورد سفر آخرت تابه‌حال در همان محدوده سنگ قبر و خود قبر ... می‌چرخید که با این کار یک سایت ترکیه‌ای وابسته به آقای جوبلی احمد هوجا، وارد فاز جدیدی شد. در زمانه‌ای که کفن معمولی را در ترکیه ۷۰ لیر می‌فروشند، این سایت، کفنی می‌فروشد به قیمت ۳۷۰ دلار با این قید که از عذاب میت جلوگیری می‌کند! این کفن‌ها که پارچه‌های ضد آتش تهیه شده است قرار است از آتش عذاب شب اول قبر جلوگیری کند! حالا هیچ کس نیست به این آدم‌های نادان حالی کند که مگر عذاب شب اول قبر از جنس همین آتش‌های ظاهری خودمان است که دست به دامان این پارچه‌ها شده‌اید؟ حالا البته نگفته‌اند که بر فرض درستی این ادعا، آیا نبود عذاب در شب‌های بعدی هم تضمین می‌شود یا نه و اگر آمد و میت مورد نظر عذاب شد، کفن پس گرفته می‌شود؟ آیا؟

★ تندیس گچی «آتل» به همراه باند و مجموعه کامل گچ‌گیری و کارت تففیف شکسته‌بندی به «کون» بابت «اعتیاد به گچ‌گیری»

اما دوستان نوجوان! هم‌چنان که مجردی بد

دردی است، اعتیاد هم درد بدتری است. اعتیاد هم انواع مختلفی دارد. آقای کوین ما هم نوع خاصی از اعتیاد را دارند. ایشان معتاد هستند به گچ‌گیری؛ البته منظور این نیست که ایشان استاد گچ‌کار هستند بلکه ایشان علاقه دارند که هر روز و هر روز، خودشان و دست‌وپاهایشان را گچ بگیرند. ایشان ۲۱ سال است که مبتلا به این اعتیاد خانمان‌برانداز بوده و در همین مسیر تابه‌حال ۵۰ هزار دلار (بیش از ۱۷۰ میلیون تومان ناقابل) هم خرج کرده. وی این را هم گفته که: من کاملاً سالم هستم و بدنم حتی یک خراش هم ندارد اما وقتی در یک آتل قرار می‌گیرم یا عضوی از بدنم در گچ باشد، احساس راحتی بیش‌تری می‌کنم و حس خوبی در رگ‌های من جاری می‌شود؛ البته این حس خوب هم از هفت سالگی شروع شد که ایشان دستمال توالت را خیس کرده و با قرار دادن بر روی دستشان، کیف می‌کردند. این هم آخر و عاقبت گچ‌گیری که به مغزشان هم سرایت کرد.



★ لوح تقدیر به همراه روغن سرخ‌کردنی و سرویس هفت‌پارچه فلان تفلون که مرف اول‌رودر آشپزخانه‌های زندانب «سیب‌زمینی سرخ‌کرده» بابت «ثبت جهانی شدن»

عرض شود که اگر به یک بنده خدای هم‌وطن بگوییم سیب‌زمینی نماد چیست؟ می‌گوید نماد بی‌رگی! اما اگر از یک بلژیکی همین سؤال را بپرسیم خواهد گفت: نماد سرخ‌شدگی و ثبت جهانی! البته ما چون نمی‌خواهیم خودمان را ضایع کنیم می‌گوییم که آن ثبت جهانی شدن هم از بی‌رگی‌اش است و الا جلیز و ولز کردن در روغن فراوان و ثبت شدن توسط بیگانگان این قدرها هم که سروصدا ندارد! تازه چه‌بسا چیزهای دیگر که هیچ‌وقت ثبت جهانی نشدند و این از ارزش‌هایشان کم نمی‌کند. از جمله بادمجان سرخ‌کرده و سوخته! اما به هر حال در این جشنواره مراتب تشکر و قدردانی خودمان را از سیب‌زمینی به عمل می‌آوریم که هرچند بی‌رگ است اما توانسته است که با کمک روغن خوب و تابه تفلون مرغوب، توسط بلژیکی‌ها ثبت جهانی هم بشود و برود کنار اپرای چینی و قهوه ترک و اخیراً نان لواش از ارمنستان و در فهرست ارزش‌های جهانی و میراث غیرمادی جهان قرار بگیرد. فقط خطاب به سیب‌زمینی می‌گوییم: یادت باشد رفتی بالا بالاها خودت را بگیر و از سفره ما عقب‌نشینی نکن که به قول مادر بزرگمان: سیب‌زمینی یگانه خورشت ماست!